

6490

۱۰۰۰
۱۴
۲۲
قوس

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



انتشارات دارالفکر

الموجز

في

أصول الفقه

تأليف: آية الله جعفر سبحاني، دام ظلّه.

جلد اول

ترجمہ دوسرین

استاد محسن غرویان

یہ محنت کے درضا طالب بیان

سرشناسه	:	غرویان ، سبحانی تبریزی ، جعفر ، ۱۳۰۸ -
عنوان قراردادی	:	الموجز فی اصول الفقه - فارسی .
عنوان و نام پدیدآور	:	ترجمه الموجز فی اصول الفقه / تالیف جعفر سبحانی ترجمه و تبیین محسن غرویان - محمد رضا طالبیان - - قم : دارالفکر ، ۱۳۸۵ .
مشخصات نشر	:	قم دارالفکر ، ۱۳۹۰ .
مشخصات ظاهری	:	۳۲۰ ص .
شابک	:	۶-۴۸-۶۰۱۲-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	:	(دوره) ۱: ۷۵-۲۶۱۱-۹۶۴-۹۷۸
موضوع	:	فیما .
موضوع	:	اصول فقه شیعه الف . غرویان ، محسن ، ۱۳۸۸ - مترجم .
رده‌بندی کنگره	:	طالبیان ، محمد رضا ، مترجم .
رده‌بندی دیویی	:	۸۰۴۱ م ۲ س ۸ / ۱۵۹ / BP
شماره کتابشناسی ملی	:	۲۹۷/۳۱۲
	:	۴۲-۲۲-۸۴ م



انتشارات دارالفکر
تاسیس ۱۳۳۶

مؤسس: مرحوم حضرت حجة الاسلام والمسلمین
آقای حاج سید عبدالحمید مولانا (ره)

ترجمه الموجز فی اصول فقه (جلد اول)

مولف: حضرت آیت الله جعفر سبحانی

مترجمین: استاد محسن غرویان ، سید محمد رضا طالبیان

ناشر: انتشارات دارالفکر

چاپخانه: مجتمع چاپ و صحافی مولانا - قم

نوبت چاپ: چهاردهم - ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

شابک: ۶-۴۸-۶۰۱۲-۹۶۴-۹۷۸ ISBN 978-964-6012-48-6

شابک دوره: ۱-۷۵-۲۶۱۱-۹۶۴-۹۷۸ ISBN 978-964-2611-75-1

دفتر مرکزی: قم خیابان معلم ، مجتمع ناشران پلاک ۳۶

تلفن: ۳۷۷۳۳۶۴۵-۳۷۷۴۳۵۴۴ فاکس: ۳۷۷۳۸۸۱۴

دفتر تهران: خیابان انقلاب ، خیابان ۱۲ فروردین ، خیابان شهدای ژاندارمری ،

روبه روی اداره پست ، پلاک ۱۲۴ واحد یک تلفن: ۶۶۴۰۹۳۵۲ - ۶۶۴۰۸۹۲۷

فهرست مطالب

۹	پیش گفتار
۱۱	مقدمه مترجمان
۱۵	مقدمه مؤلف

مقدمه

۲۱	امر اول: تعریف علم اصول
۲۵	امر دوم: تقسیم‌بندی مباحث علم اصول
۲۹	امر سوم: وضع
۳۹	امر چهارم: تقسیم دلالت به تصویری و تصدیقی
۴۱	امر پنجم: حقیقت و مجاز
۴۳	امر ششم: نشانه‌های حقیقت و مجاز
۵۳	امر هفتم: اصول لفظیه
۵۹	امر هشتم: اشتراک و ترادف
۶۳	امر نهم: استعمال لفظ مشترک در بیش از یک معنا
۶۷	امر دهم: حقیقه شرعیّه
۷۳	امر یازدهم: صحیح و اعم
۸۱	امر دوازدهم: بحث مشتق



مقصد اول : أوامر

۹۷	فصل اول : ماده امر
۹۷	بحث اول : لفظ «امر» مشترك لفظی است
۹۹	بحث دوم : اعتبار علو و استعلا در ماده امر
۱۰۳	بحث سوم : دلالت ماده امر بر «وجوب»
۱۰۷	فصل دوم : هیئت امر
۱۰۷	بحث اول : معنای صیغه امر
۱۱۳	مبحث دوم : دلالت هیئت امر بر وجوب
۱۱۳	مبحث سوم : استقاده و جوب از اسلوب های دیگر
۱۱۵	بحث چهارم : امر پس از منع
۱۱۹	بحث پنجم : مره و تکرار
۱۲۱	مبحث ششم : فور و تراخی
۱۲۵	فصل سوم : اجزاء
۱۲۵	مقدمه :
۱۲۷	بحث اول : امر اختیاری و امر اضطراری
۱۳۳	بحث دوم : اجزاء امر ظاهری از امر واقعی
۱۳۹	فصل چهارم : مقدمه واجب
۱۴۱	تقسیم اول : تقسیم مقدمه به داخلی و خارجی
۱۴۱	تقسیم دوم : تقسیم مقدمه به عقلیه، شرعی و عادی
۱۴۳	تقسیم سوم : تقسیم مقدمه به وجود، صحت، وجوب، علم
۱۴۷	تقسیم چهارم : تقسیم مقدمه به «سبب»، «شرط»، «معد» و «مانع»
۱۴۹	تقسیم پنجم : تقسیم مقدمه به مفوته و غیر مفوته
۱۴۹	تقسیم ششم : تقسیم مقدمه به «عبادی» و «غیرعبادی»
۱۵۵	فصل پنجم : تقسیمات واجب
۱۵۵	۱- تقسیم واجب به مطلق و مشروط



۱۵۷	۲- تقسیم واجب به موقت و غیر موقت
۱۶۳	۳- تقسیم واجب به «نفسی» و «غیری»
۱۶۳	۴- تقسیم واجب به اصلی و تبعی
۱۶۵	۵- تقسیم واجب به عینی و کفایی
۱۶۷	۶- تقسیم واجب به تعیینی و تخییری
۱۶۷	۷- تقسیم واجب به توصلی و تعبدی
۱۷۱	فصل ششم: اقتضا کردن امر به شیء، نهی از ضد آن
۱۷۱	۱- ضدّ عام
۱۷۱	۲- ضدّ خاص
۱۷۹	فصل هفتم: نسخ و جوب
۱۸۵	فصل هشتم: امر به امر به فعل
۱۹۱	فصل نهم: امر به شیء پس از امر به آن = امر دوباره به شیء

مقصد دوّم: نواهی

۲۰۱	فصل اول: مادّه و صیغه نهی
۲۰۱	بخش اوّل: مادّه نهی
۲۰۵	بخش دوّم: صیغه نهی
۲۱۳	فصل دوم: اجتماع امر و نهی در شیء واحد با دو عنوان مختلف
۲۱۳	مطلب اوّل: اقسام اجتماع امر و نهی
۲۱۷	مطلب دوّم: مقصود از «شیء واحد» در تیتربحث
۲۱۹	مطلب سوّم: اقوال در مسأله
۲۲۹	فصل سوم: آیا نهی از شیء، مقتضی فساد آن است؟
۲۲۹	بخش اوّل: عبادات
۲۳۳	بخش دوّم: معاملات



مقصد سوم : مفاهيم

۲۴۷	امر اول: تعريف مفهوم و منطوق
۲۵۱	امر دوم: تقسيم مدلول منطوقى به صريح و غير صريح
۲۵۵	امر سوم: نزاع در مفاهيم صغروى است
۲۵۵	امر چهارم: تقسيم مفهوم به موافق و مخالف
۲۵۷	اقسام مفهوم مخالف
۲۵۷	مفهوم شرط
۲۷۳	بحث اول: تعدد شرط و وحدت جزا
۲۷۷	بحث دوم: تداخل اسباب و مستببات
۲۸۵	مفهوم وصف
۲۹۱	مفهوم غايت
۲۹۹	مفهوم حصر
۳۱۱	مفهوم عدد
۳۱۷	مفهوم لقب

پیش گفتار

ترجمه متون حوزوی، راهی برای وحدت حوزه و دانشگاه

این روزها مصادف با سالگرد شهادت استاد حوزه و دانشگاه آیه الله دکتر مفتاح (ره) است. وی نماد وحدت حوزه و دانشگاه بود و لذا سالروز شهادت ایشان به همین عنوان، روز وحدت حوزه و دانشگاه نامیده شده است.

حقیقتاً حوزوی بودن یک عالم حوزوی، به لباس، ظواهر و اعراض شخصیتی او نیست، بلکه به جوهر، ذات و علم و دانشی است که او بدانها متحقق است. در مورد یک عالم و شخصیت دانشگاهی نیز همین سخن جاری است. بنابراین اگر وحدت حوزه و دانشگاه بخواد در حد فرم و شکل و ظواهر صورت گیرد، وحدتی عَرَضی است. و اما اگر این وحدت در حد جوهر و ذات این دو مرکز علمی صورت پذیرد، وحدتی حقیقی و عمیق و ذاتی خواهد بود. حال برای رسیدن به این وحدت باطنی و ذاتی و جوهری بین حوزه و دانشگاه و بین حوزوی و دانشگاهی چه باید کرد؟ آیا نباید کاری کرد که علم حوزه به دانشگاه برود تا استاد و دانشجو با آن علم آشنا شود، آن را فرا بگیرد، ذهنش را با آن انس بدهد، جانش را با آن عجین کند، درک کند که این علم هم، علمی در میان علوم و دانشی در میان دانش هاست؟ ما اگر علوم و دانشهای دینی و حوزوی خود را در قالب زبان عربی - که غالب دانشگاهیان آن را نمی دانند -



محصور و محبوس نگه داریم، طبیعی است که قشر عظیمی از فرهیختگان دانشگاهی ما به حقیقت این علوم و دانشها نمی‌رسند و طعم آنها را نمی‌چشند! آنگاه چه انتظاری داریم که مغز و فکر و اندیشه آنها با ما وحدت حقیقی و جوهری پیدا کند؟! پس یکی از مؤثرترین و بهترین راههای برقراری وحدت حوزه و دانشگاه این است که ما علوم و دانشهای خود را به یکدیگر منتقل کنیم، و ترجمه، یکی از ابزارهای این انتقال علمی است. مقام معظم رهبری حضرت آیه الله العظمی خامنه‌ای [مدظله العالی] می‌فرماید:

«بسیاری از این کتابهای علمی ما را می‌شود ترجمه کرد، اول به فارسی که محیط‌های دانشگاهی - علمی خودمان اقلأ مطلع بشوند... این کار، کار بسیار خوبی است... بعد که به فارسی ترجمه شد، همت کنید این‌ها را به انگلیسی، به زبان‌های اروپایی ترجمه کنید، برود توی محافل علمی، با این مفاهیم آشنا شوند»^۱.

کتاب حاضر

این کتاب متن، ترجمه و تبیین «الموجز فی اصول الفقه» از مؤلفات فقیه صمدانی و اصولی ربانی حضرت آیه الله جعفر سبحانی [مدظله العالی] است. کتاب مذکور هم اینک در حوزه‌های علمی و دانشگاهی بعنوان متن درسی تدریس می‌شود و جایگاه ویژه خود را پیدا کرده است. ترجمه و تبیین بخشهای اولیه این کتاب (تا مبحث شهرت فتوایی) - بگونه‌ای نسبتاً تفصیلی تر - توسط فاضل ارجمند آقای سیدمحمد رضا طالبیان صورت گرفته است و ترجمه و تبیین مباحث دیگر تا پایان کتاب به خامه این حقیر است. خداوند به ما توفیق خدمت افزون‌تر عطا فرماید.

حوزه علمی قم - محسن غرویان

۲۷ آذر ۱۳۸۴

۱. سخنان معظم له در جمع فضایی از حوزه علمی قم، زمستان ۱۳۸۲.

مقدمه مترجمان

جایگاه علم اصول

﴿و ما خلقت الجنّ و الإنس إلا ليعبدون﴾

مطابق با آیه شریفه فوق، هدف از خلقت انسان، «عبادت و بندگی» است. خداوند متعال برای رسیدن به این هدف، برای جوانب و حالات مختلف زندگی بشر، قوانین و دستوراتی ایجاد کرده که «احکام شرعی» نامیده می‌شوند بنابراین:

احکام یعنی قوانین و دستورات خداوند برای زندگی بشر. این احکام شرعی، همگی در عالم بالا و در لوح محفوظ موجودند. پرسشی که اکنون مطرح میشود آن است که خداوند چگونه انسان‌ها را از احکام شرعیّه مطلع کرده است؟ پاسخ آنست که بخش قابل توجهی از این احکام از طریق «کتاب و سنت» بیان شده‌اند و بخشی دیگر به قوه عقل انسانها واگذار شده است. بنابراین، می‌توان گفت:

کاشف احکام شرعی

۱- کتاب و سنت = دلیل نقلی

۲- قوه عقل آدمی = دلیل عقلی

به چیزی که کاشف از حکم شرعی است «دلیل» گفته میشود، حال اگر این دلیل از کتاب و سنت باشد «دلیل نقلی» و اگر از قوه عقل آدمی باشد «دلیل عقلی» نام دارد.

یک مشکل: گاهی می‌شود که حتی با جستجو و بررسی در کتاب و سنت هم به «دلیل شرعی» دست نمی‌یابیم و از سوی دیگر، عقل هم توانایی کمک نداشته و «دلیل عقلی» هم موجود نیست، در این حال چه باید کرد؟

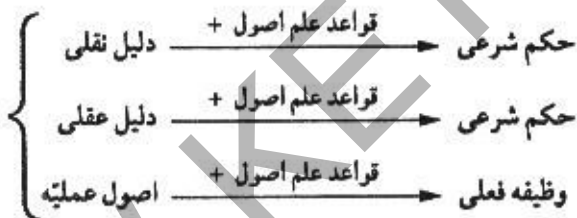
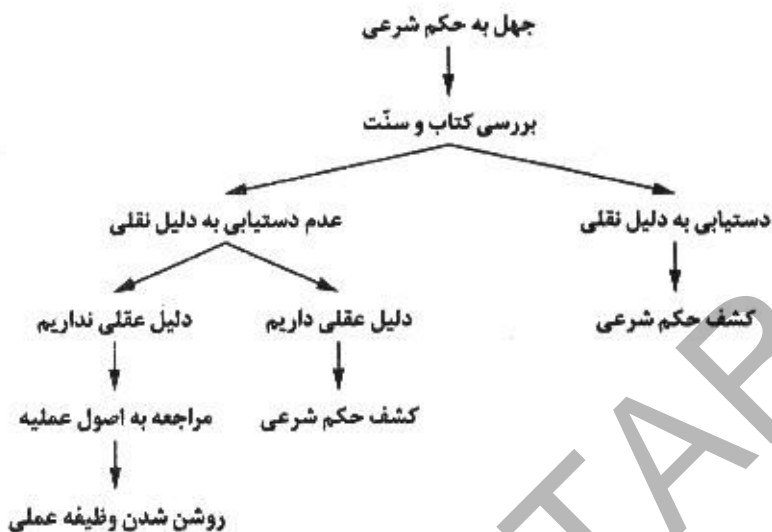
برای این حالت یک سری اصول و قواعد طراحی شده‌اند که کارشان تنها روشن کردن وظیفه فعلی ماست. به دیگر سخن، این اصول و قواعد تنها ما را از سرگردانی نجات می‌دهند ولی مشخص‌کننده حکم واقعی ما نیستند. مثلاً فرض می‌کنیم حکم نماز جمعه در زمان غیبت را نمی‌دانیم و در مورد آن نه دلیل نقلی وجود دارد و نه دلیل عقلی. در اینجا اصلی به نام «استصحاب» به کمک ما می‌آید و می‌گوید قبلاً و در زمان حضور نماز جمعه واجب بود، اکنون هم نماز جمعه بر تو واجب است، توجه می‌کنید که استصحاب تنها می‌گوید نماز جمعه فعلاً بر تو واجب است و نمی‌گوید که در لوح محفوظ، نماز جمعه در زمان غیبت چه حکمی دارد.

به اصولی که در نبود دلیل نقلی و دلیل عقلی یعنی در حالت شک در حکم شرعی، ما را از سرگردانی نجات داده و وظیفه عملی و فعلی مان را روشن می‌کنند «اصول عملیه» گفته می‌شود.

علم اصول و جایگاه آن:

برای آنکه بتوانیم از طریق دلیل نقلی یا عقلی، به استنباط حکم شرعی بپردازیم و نیز برای آنکه بدانیم در حالت نبود دلیل نقلی یا عقلی از چه اصل عملی‌ای و چگونه استفاده کنیم نیازمند یک سری اصول و قواعد هستیم که این اصول و قواعد را علم اصول فقه در اختیار ما می‌نهد.

ترسیم حرکت ما برای کشف حکم شرعی چنین است:



کتاب «الموجز» [به معنای «مختصری از علم اصول»] دارای یک مقدمه و ۸ مقصد است. مقدمه این کتاب خود دارای دوازده بخش است که اینک به بیان آنها می‌پردازیم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ
وَالْمُرْسَلِينَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ.
أَمَّا بَعْدُ: فَهَذَا كِتَابٌ وَجِيزٌ فِي أَصُولِ الْفِقْهِ يَسْتَعْرِضُ أَهَمَّ الْمَسَائِلِ
الْأُصُولِيَّةِ الَّتِي تُعَدُّ أُسُسًا لِاسْتِنْبَاطِ الْأَحْكَامِ الشَّرْعِيَّةِ مِنْ مَصَادِرِهَا
الْمَعْيَنَةِ.

وَقَدْ وَضَعْتُهُ لِلْمَبْتَدِئِينَ فِي هَذَا الْفَنِّ، وَالغَرَضُ مِنْ وَرَاءِ ذَلِكَ،
إِقْيَافُهُمْ عَلَى أَمْهَاتِ الْمَسَائِلِ مِنْ دُونِ إِجَارِ مُخِلٍّ وَلَا إِطْنَابِ مُمِلٍّ.
لَقَدْ كَانَ كِتَابُ الْمَعَالِمِ الَّذِي أَلَفَهُ الشَّيْخُ حَسَنُ بْنُ زَيْدِ الدِّينِ الْعَامِلِي
- قَدَسَ اللَّهُ سَرَّهُمَا - هُوَ الدَّارِجُ فِي الْحَوَازِ الْعِلْمِيَّةِ لِهَذَا الْغَرَضِ، وَلَقَدْ
أَدَّى - بِحَقِّ - رِسَالَتَهُ فِي الْعُصُورِ السَّالِفَةِ.

غَيْرُ أَنَّهُ لَمَّا طُرِحَتْ بَعْدَ تَأْلِيْفِهِ، أبحاثُ أُصُولِيَّةٌ جَدِيدَةٌ لَمْ يَتَعَرَّضْ لَهَا
هَذَا الْكِتَابُ، اقْتَضَتْ الْحَاجَةَ إِلَى تَأْلِيْفِ كِتَابٍ آخَرَ يَضُمُّ فِي طَيَّابَتِهِ
الْأبحاثَ الْأُصُولِيَّةَ الْجَدِيدَةَ بِعِبَارَاتٍ وَاضِحَةٍ، وَمُتَلَاثِمَةً مَعَ اللَّغَةِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مقدمه مؤلف

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيد الانبياء والمرسلين محمد وآله الطيبين الطاهرين.

اما بعد، اين كتابي مختصر در [دانش] اصول فقه است که مهمترين مسائل اصولي را مورد بحث قرار مي دهد. مسائلي که اساس استنباط احکام شرعي از منابع مشخص مربوط به احکام محسوب مي شوند. و من آنرا براي مبتديان در اين فن قرار دادم، و مقصود از [تأليف] آن، آشنا کردن مبتديان با مسائل اصلي اصول است با پرهيز از اختصاري که [در تفهيم مطالب] اخلال ايجاد کند و زياده روي اي که [خواننده را] خسته و دلزده کند.

پيشتر کتاب «معالم» - که شيخ حسن بن زيد الدين عاملی رحمته الله آنرا تأليف کرده - براي برآوردن اين غرض طراحي شده بود که حقيقتاً رسالت خود را در زمانهاي گذشته به انجام رساند.

لکن از آنجا که پس از تأليف آن، بحث هاي اصولي جديدي طرح شده که آن کتاب بدانها نپرداخته نياز به تأليف کتاب ديگري احساس شد، کتابي که در خلال [مباحث] خود، بحث هاي اصولي جديد را با عباراتي روشن و سازگار با زبان علمي رايج در حوزه گردآورد، همراه با مثالهايي که به بهترين وجه مبتدي را در فهم مسائل اصولي

العلمية الدراجة في الحوزة مع تطبيقات تُساعده بشكل أفضل على فهم المسائل الأصولية في مختلف الأبواب والإشارة إلى مواضعها في الكتب الفقهية. ولقد استعرضت فيه ما هو المشهور لدى المتأخرين من أصحابنا الأصوليين الأشيئاً نادراً، وربما كان المختار عندي غيره، لكن لم أشر إليه لتوخي الإيجاز، وصيانة الذهن عن التشويش.

كما تركت الخوض في البحوث المطروحة في الدراسات العليا، وربما أشرت إلى بعض عناوينها في الهامش، وأسَمَيْتُهُ بِ(الموجز في أصول الفقه) إيعازاً إلى أن الكتاب صورة موجزة للمسائل الأصولية المطروحة.

والتهج السائد في الكتب الدراسية هو الإقتصار على أقل العبارات بتعابير وافية بالمراد وخالية عن التعقيد وإكالات التفصيل والشرح إلى الأستاذ وإلا يخرج عن كونه منشأ دراسياً.

ورائدنا في تنظيم المقاصد والمباحث هو الكتب المتداولة في الأصول، نظير الفرائد والكفاية وتقريرات الأعظم - قدس الله أسرارهم. والأمل أن يكون الكتاب وافياً بالغاية المنشودة، واقعياً مورد الرضا ونسأل الله سبحانه أن يوفقنا لما فيه الخير والرشاد.

المؤلف

در بابهای مختلف یاری کند و [همراه] با اشاره به جایگاه مسائل اصولی در کتابهای فقهی. من در این کتاب - جز در اموری نادر - آنچه را که نزد اصحاب متأخر ما مشهور بوده بحث کرده‌ام و چه بسا نظر برگزیده من غیر از آنچه مطرح کرده‌ام بوده است اما من به هدف اختصار و حفظ ذهن [مبتدیان] از تشویش بدان اشاره نکردم.

همچنانکه از فرورفتن در بحث‌های مطرح در سطوح بالاتر خودداری کردم و [تنها] گاهی به تیترا آنها در پاورقی اشاره نمودم و آنرا «مختصر در اصول فقه» نامیدم برای اشاره به اینکه این کتاب صورت مختصری از مسائل اصولی مطرح شده [در میان اصولیان] است.

و شیوه برتر در [تألیف] کتابهای درسی آن است که به کمترین عبارات و با تعبیری که وافی به مقصود و خالی از تعقید [نامعلوم بودن مراد گوینده] است، اکتفا شود و تفصیل و شرح مطالب به استاد واگذار شود و گرنه از [حالت] یک متن درسی خارج خواهد شد.

و ملاک و محور ما در تنظیم «مقاصد» و مباحث، کتابهای متداول اصولی نظیر «فرائدالاصول» و «کفایه» و تقریرات درسهای بزرگان حوزه - قدس الله اسرارهم - بوده است.

امید است که این کتاب، برآورنده غرض مورد نظر باشد، و مورد رضایت واقع شود و از خدای سبحان می‌خواهیم برای آنچه در آن خیر و هدایت است ما را توفیق دهد.

مؤلف

مقدمه

● و در آن چند امر است:

امر اول: تعریف علم اصول و موضوع و غایت آن

امر دوم: تقسیم‌بندی مباحث اصولی به لفظی و عقلی

امر سوم: وضع و اقسام چهارگانه آن و تقسیم آن به شخصی و نوعی

امر چهارم: تقسیم دلالت به تصویری و تصدیقی

امر پنجم: حقیقت و مجاز

امر ششم: علامات حقیقت و مجاز

امر هفتم: اصول لفظیه

امر هشتم: اشتراک و ترادف و امکان و وقوع آن دو

امر نهم: استعمال لفظ مشترک در بیش از یک معنا

امر دهم: حقیقت شرعیّه و متشرعیّه

امر یازدهم: در اینکه اسماء عبادات و معاملات برای صحیح وضع شده‌اند یا اعم

امر دوازدهم: مشتق و این که مشتق برای متلبس وضع شده است یا برای اعم

الأمْرُ الأوَّلُ:

تعريف علم الاصول و موضوعه و غايته

إِنَّ لَفْظَةَ أَصُولِ الْفِقْهِ تَشْتَمِلُ عَلَى كَلِمَتَيْنِ تَدُلُّانِ عَلَى أَنَّ هُنَا أَصُولًا وَ قَوَاعِدَ يَتَكَلَّمُ الْفَقْهُ عَلَيْهَا فَلَا بُدَّ مِنْ تَعْرِيفِ الْفِقْهِ أَوَّلًا ثُمَّ تَعْرِيفِ أَصُولِهِ ثَانِيًا.

الْفَقْهُ عَلَى مَا هُوَ الْمَعْرُوفُ فِي تَعْرِيفِهِ هُوَ الْعِلْمُ بِالْأَحْكَامِ الشَّرْعِيَّةِ الْفُرْعِيَّةِ عَنْ أَدْلَتِهَا التَّفْصِيلِيَّةِ. فَخَرَجَ بِقَيْدِ (الشَّرْعِيَّةِ) الْعَقْلِيَّةِ وَ (الْفُرْعِيَّةِ) الْاِعْتِقَادِيَّةِ وَ الْمَسَائِلِ الْاَصُولِيَّةِ وَ (التَّفْصِيلِيَّةِ) عِلْمَ الْمَقْلُدِ بِالْأَحْكَامِ فَإِنَّهُ وَإِنْ كَانَ عَالِمًا بِالْأَحْكَامِ لِكُنْهٖ لَا عَنْ دَلِيلٍ تَفْصِيلِيٍّ بَلْ بِتَبَعِ دَلِيلٍ اِجْمَالِيٍّ وَ هُوَ حُجِيَّةُ رَأْيِ الْمَجْتَهِدِ فِي حَقِّهِ فِي عَامَةِ الْاَحْكَامِ وَ اِمَّا الْمَجْتَهَدُ فَهُوَ عَالِمٌ بِكُلِّ حَكْمٍ عَنْ دَلِيلِهِ الْخَاصِ.